

پژوهش‌های حقوقی

شماره ۷

هزار و سیصد و هشتاد و چهار - نیمسال اول

مقالات

- قرار جلب اروپایی و تأثیر آن بر حقوق استرداد مجرمین در اتحادیه اروپا
- بزه دیده شناسی حمایتی در پرتو «اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت»

- تأثیر قواعد آمره حقوق بین‌الملل بر تفسیر و اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت
- مفهوم، انواع و قواعد حاکم بر قراردادهای عمومی
- مدخلی بر نظام حقوقی حاکم بر سرمایه‌گذاری خارجی در ایران
- حاکمیت قانون اساسی و وظیفه قضات در حقوق جمهوری اسلامی ایران

موضوع ویژه: جنبه‌های مختلف حقوق بانکی

- ابعاد حقوقی بانکداری اینترنتی
- نقد و بررسی نظریه وکالت بانک‌ها از مشتریان در خصوص سپرده‌های سرمایه‌گذاری
- لازم‌الاجرا بودن قراردادهای اعطای تسهیلات بانکی در هاله‌ای از ابهام
- حل و فصل دعاوی ضمانت‌نامه‌های بانکی بین‌المللی
- عقد اجاره به شرط تملیک و موانع گسترش آن در نظام بانکی ایران

نقد و معرفی

- کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد و حقوقدانان ایرانی





بزه‌دیده‌شناسی حمایتی در پرتو «اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت»

مهر داد رایجیان اصلی*

چکیده: اگر مطالعه بزه‌دیدگان نخست در قالب یک دیدگاه منفی‌نگرانه با تأکید بر نقش و تقصیر بزه‌دیده در رویداد جنایی (بزه) از بطن جرم‌شناسی سربرآورد، اکنون بیش از سه دهه است که همه نگاه‌ها به حمایت از این اشخاص آسیب‌پذیر جهت یافته است. بدین ترتیب، **بزه‌دیده‌شناسی حمایتی** یکی از رویکردهای نوین جرم‌شناسی است که رفته رفته به کسب استقلال در سرزمین علوم جنایی نزدیک‌تر می‌شود. در این میان، بین‌المللی شدن این رویکرد مطالعاتی که همسو با فرایندهای جهانی شدن سرعت بیشتری به خود می‌گیرد آن را به یکی از کانون‌های توجه در سطح سیاست‌گذاری بین‌المللی و یکی از دغدغه‌های مهم سیاست‌های جنایی تبدیل کرده است. همسو با این تحول، سازمان ملل متحد پس از به انجام رسیدن پژوهش‌های جرم‌شناسانه بسیاری از کشورها در این حوزه، با بهره‌گیری از یافته‌های این پژوهش‌ها تلاش خود را برای پی‌ریزی اصول و ملاک‌هایی جهانی برای حمایت از بزه‌دیدگان بکار بسته است. «**اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت**» سرآمد این تلاش‌ها و به منزله منشوری دربردارنده استانداردهای جهانی در چارچوب یک **بزه‌دیده‌شناسی حمایتی** به شمار می‌آید که بررسی مفاد آن موضوع این مقاله را تشکیل می‌دهد.

واژگان کلیدی: بزه‌دیده، بزه‌دیدگی، رفتار منصفانه، جبران، جبران خسارت، پرداخت غرامت، کمک به بزه‌دیدگان، سوءاستفاده از قدرت.

درآمد

در نظام‌های عدالت جنایی امروزی، بزه‌دیدگان از نقش و جایگاه درخور توجهی بهره‌مند نبوده و بر خلاف متهمان و بزه‌کاران به حقوق و نیازهای آنان به نحو شایسته‌ای توجه نشده است. به طور کلی، از دیدگاه تاریخ حقوق کیفری پس از پیدایش دولت‌ها، «حکومت» بهترین نماینده منافع جامعه - از جمله، منافع بزه‌دیدگان - شمرده می‌شده است. به همین دلیل، موضوع حمایت از بزه‌دیده - که تا پیش از پیدایش دولت به منزله زیان‌دیده از جرم شناخته می‌شد - از چارچوب جبران خسارت‌های مادی فراتر نرفته و حتی در موارد جبران خسارت‌های معنوی نیز در همین محدوده معنا پیدا کرده است.^۱ با پایان جنگ جهانی دوم و اهمیت یافتن فزاینده ارزش و کرامت انسانی، تلاش شد تا به بزه‌دیده هم در کنار بزه‌کار بیش از گذشته توجه شود. در این میان، مجمع عمومی سازمان ملل متحد با تصویب «اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت»^۲ در ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵ نقش شایان توجهی در برقراری تعادل میان حقوق بنیادی متهمان و بزه‌کاران، از یک سو، و حقوق و نیازهای بزه‌دیدگان از سوی دیگر، داشته است.^۳

فلسفه این اعلامیه به رسمیت شناختن بزه‌دیدگان و رعایت احترام و رفتار منصفانه

^۱ یعنی امروزه به دلیل دشواری‌هایی که جبران خسارت‌های معنوی به همراه دارد، بکارگیری روش‌های معمول در جبران خسارت مادی - مانند تقویم مالی خسارت‌های معنوی - در این قلمرو پذیرفته شده و اعمال می‌شود.

^۲ از این پس به آن «اعلامیه» خواهیم گفت. این اعلامیه که پیوست قطعنامه ۴۰/۳۴ مجمع عمومی، مصوب یازده دسامبر ۱۹۸۵ است، از ۲۱ بند (پاراگراف) در دو بخش تشکیل شده است. برای دیدن متن کامل برگردان این اعلامیه نک: مهرداد رایجیان اصلی، «سه گفتار تطبیقی در بزه‌دیده‌شناسی: داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی» [ترجمه]، *مجله حقوقی دادگستری*، بهار ۱۳۸۳، ش ۴۶، صص ۱۸۸ تا ۱۹۲.

^۳ خاطر نشان می‌سازد که شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد به دنبال اعلامیه ۱۹۸۵ با تصویب قطعنامه‌هایی موضوع اجرای مفاد این اعلامیه را پیگیری کرده است. این شورا نخست در قطعنامه ۲۱ مه ۱۹۸۶ از دبیرکل سازمان ملل خواست تا گزارشی درباره تدابیر اتخاذ شده برای اجرای مفاد اعلامیه تهیه کند. این شورا بر پایه گزارش‌های دبیرکل در قطعنامه دیگری به تاریخ ۲۴ مه ۱۹۸۹ تدابیر گوناگونی را برای اجرای گسترده مفاد اعلامیه در دولت‌های عضو پیش‌بینی کرد. شورا در قطعنامه دیگری به تاریخ ۲۴ مه ۱۹۹۰ با عنوان «بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت» از دبیرکل و نیز از «کنگره هشتم سازمان ملل متحد درباره پیشگیری از جرم و اصلاح بزه‌کاران» خواست تا در جهت ارتقا و اعمال تدابیر حمایتی و پیشگیرانه خاص، ابزارها و تدابیر تازه‌ای را تنظیم و توصیه کند. کنگره هشتم به دنبال درخواست شورای اقتصادی و اجتماعی قطعنامه‌ای را به نام «حمایت از حقوق بنیادی بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت» در ۱۹۹۰ به تصویب رساند. برای دیدن این قطعنامه‌ها، همچنین پیشینه این موضوع در سازمان ملل نک: علی حسین نجفی ابرندآبادی، «سیاست جنایی سازمان ملل متحد»، *مجله تحقیقات حقوقی*، ۱۳۷۵، ش ۱۸، صص ۳۴۱ تا ۳۴۵.

با آنان است، زیرا به زعم نویسندگان اعلامیه، بزه‌دیدگان در کنار حق جبران همه خسارت‌های وارده بر خویش باید بتوانند به ساز و کارهای مناسب قضایی نیز دسترسی داشته باشند و کمک‌های تخصصی کافی در زمینه کاهش درد و رنج‌های عاطفی و دیگر دشواری‌های برخاسته از بزه‌دیدگی را دریافت کنند.^۴

بی‌گمان، تصویب این سند مهم را باید نخستین گام در جهت پیشرفت واقعی و عملی در قلمرو حمایت از بزه‌دیدگان دانست که از رهگذر آن می‌توان به شکل‌گیری ملاک‌ها و استانداردهای جهانی در چارچوب یک بزه‌دیدة‌شناسی حمایتی امیدوار بود. این ملاک‌ها و استانداردها در وهله نخست در به رسمیت شناختن بزه‌دیدگان در چارچوب یک تعریف جامع اثرگذار است؛ در وهله دوم در ضابطه‌مند ساختن حقوق بزه‌دیدگان در پرتو مفهومی به نام «رفتار منصفانه» - در کنار مفهوم بنیادی «دادرسی عادلانه» - و بویژه در حوزه‌هایی چون دسترسی بزه‌دیدگان به عدالت و حق جبران در چارچوب یک الگوی چندگانه حمایتی برای کمک به بزه‌دیدگان نقش خواهد داشت.

الف - بزه‌دیدگان

۱. تعریف بزه‌دیدة

پاراگراف یکم اعلامیه که به تعریف بزه‌دیدگان اختصاص دارد بزه‌دیدة را شخصی می‌داند که به دنبال رخداد جرم، به شکل فردی یا گروهی به آسیب بدنی یا روانی، درد و رنج عاطفی، زیان اقتصادی یا آسیب اساسی به حقوق بنیادی خود دچار شده است. بدین ترتیب:

نخست، با توجه به کاربرد واژه person در این تعریف، بزه‌دیدة هم دربردارنده شخص حقیقی (یعنی همه افراد انسانی) و هم شخص حقوقی (همه نهادها، مؤسسه‌ها یا شرکت‌های دولتی یا خصوصی و حتی خود دولت) است.^۵

دوم، در کنار آسیب‌های بدنی و به طور کلی خسارت‌های مادی، جبران درد و

^۴ *Guide for Policy Makers on the Implementation of the UN Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power*, UN ODCCP, New York, Centre for International Crime Prevention, 1999, p. 1.

^۵ برای تقویت این نظر نک:

Heidy Rombouts and Stef Vandeginste, *Reparation for Victims of Gross and Systematic Human Rights Violations: The Notion of Victims, Third World Legal Studies, 2000-2003*, p. 94.

رنج‌های عاطفی (خسارت‌های معنوی) و آسیب‌های اساسی به حقوق بنیادی، که معمولاً در قوانین اساسی شناخته یا شمرده می‌شوند، نیز پذیرفته شده است. بر همین پایه ممکن است به بزهدیدگان اجازه داده شود تا چنانچه در صورت رخداد جرم به آسیب بدنی و درد و رنج عاطفی دچار شده‌اند، همزمان جبران خسارت مادی و معنوی بخواهند. همچنین، هرگاه گروه‌های بزرگی از بزهدیدگان آسیب دیده باشند، طرح دعوا به نمایندگی از یک گروه ممکن است مجاز دانسته شده یا در مورد خسارت‌های زیست‌محیطی به انجمن‌های غیردولتی اجازه داده شود تا نماینده بزهدیدگان باشند و از سوی آنها جبران خسارت درخواست کنند.^۶

۲. گستره واژه بزهدیده

پاراگراف دوم اعلامیه قلمرو مفهوم بزهدیده را از دو جهت گسترش داده است: نخست، در پرتو این اعلامیه گذشته از اینکه مرتکب عمل شناسایی، دستگیر، تعقیب یا محکوم شده باشد یا نه، و گذشته از پیوند خانوادگی میان مرتکب و بزهدیده، شخص ممکن است بزهدیده انگاشته شود.

دوم، واژه بزهدیده دربردارنده خانواده بی‌واسطه (درجه یک) یا وابستگان بزهدیده مستقیم و شخصی که در جریان کمک به بزهدیدگان مصیبت دیده یا کمک به پیشگیری از بزهدیدگی به آسیب دچار می‌شود، نیز است. بر پایه پژوهش‌های جرم‌شناسانه، پی‌آمدهای بزهدیدگی و شوک برخاسته از آن نه تنها بر فرد بزهدیده بلکه بر خانواده بی‌واسطه و خویشاوندان درجه دوم و حتی همسایگان و آشنایان او نیز تأثیر می‌گذارد. این موضوع بویژه درباره پی‌آمدهای عاطفی و نیز مالی برخاسته از جرم بویژه در جرم‌هایی چون قتل عمدی، شکنجه، تجاوز جنسی، خشونت‌های خانگی درست و در عین حال مهم است.^۷ بدین ترتیب، باید گفت که در اعلامیه تفکیک بزهدیدگان مستقیم و نامستقیم پذیرفته شده است.^۸

۳. تبعیض ناپذیری مقررات اعلامیه نسبت به بزهدیدگان

بر پایه پاراگراف سوم اعلامیه مقررات درج‌شده در آن باید بدون هیچ تبعیضی از جهت نژاد، رنگ، جنس، سن، زبان، مذهب، ملیت، اعتقاد سیاسی یا هر باور دیگر،

⁶ *Guide for Policy Makers*, p. 15.

⁷ *Ibid.*, p. 15.

⁸ Heidy Rombouts and Stef Vandeginste, *op. cit.*, p. 94.

آداب و رسوم فرهنگی، دارایی، موقعیت تبار یا خانواده، خاستگاه قومی یا اجتماعی و ناتوانی بدنی یا روانی درباره همه اشخاص اجرا شود. مفاد این پاراگراف این امکان را فراهم می‌سازد که با توجه به مشکلات بزه‌دیدگان هنگام رویارویی با بزه‌دیدگی یا دسترسی محدودشان به عدالت، گروه‌های خاصی از بزه‌دیدگان مانند زنان، کودکان، سالمندان، ناتوانان و اقلیت‌ها از حمایت‌های ویژه بهره‌مند گردند. در پاراگراف‌های بعدی خواهیم دید که نویسندگان اعلامیه در بحث کمک به بزه‌دیدگان به گونه‌ای دیگر نیز این موضوع را مورد تأکید قرار داده‌اند.

ب- دسترسی به عدالت و رفتار منصفانه

۴. رعایت احترام و به رسمیت شناختن حق جبران^۹

پاراگراف چهارم اعلامیه بر پایه یکی از حقوق بنیادی بشر پیش‌بینی می‌کند که رفتار با بزه‌دیدگان باید با همدردی و احترام به شأن آنان همراه باشد. بزه‌دیدگان در برابر آسیبی که به آن دچار شده‌اند، شایسته دسترسی به ساز و کارهای عدالت و جبران فوری بر پایه قوانین داخلی خود هستند. بر همین پایه، از آنجا که نخستین تماس‌های بیشتر بزه‌دیدگان و خانواده‌های آنان با مقام‌های پلیس صورت می‌گیرد، رضایت بزه‌دیدگان از رفتار پلیس یکی از سنجه‌های مهم رضایت بزه‌دیدگان از نظام عدالت جنایی است.^{۱۰} بهبود واکنش‌های نیروهای پلیس به بزه‌دیدگان با توجه به این مسأله که مرتکبان شمار گسترده‌ای از جرم‌ها ممکن است حتی دستگیر هم نشوند، بسیار اهمیت دارد. از این رو، در بسیاری از موارد، تنها امید برای کمک به بزه‌دیده از رهگذر نظام عدالت جنایی، نیروی پلیس است.^{۱۱} بدین سان، سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران عدالت جنایی می‌توانند رهنمودهایی را برای تضمین رفتار مناسب با بزه‌دیدگان خطاب به نیروهای پلیس و مقام‌های قضایی ترویج کنند. همچنین، قانون‌گذاران نیز می‌توانند از رهگذر دستگاه قضایی و حتی جامعه مدنی قوانینی ویژه حقوق بزه‌دیدگان و حمایت از آنان به تصویب رسانند. بدین ترتیب می‌توان گفت که رعایت احترام در رفتار با بزه‌دیدگان و به

^۹ redress/remedy

^{۱۰} *Guide for Policy Makers*, p. 17.

^{۱۱} *Handbook on Justice for Victims on the Use and Application of the Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power*, UN ODCPP, New York, Centre for International Crime Prevention, p. 57.

رسمیت شناختن حقوق آنان نیازمند تصویب لایحه‌ها و قوانین ویژه بزه‌دیدگان و آموزش و پرورش دست‌اندرکاران ویژه حمایت از بزه‌دیدگان در نظام عدالت جنایی است. آگاه نگه داشتن قانون‌گذاران و آموزش آنان در زمینه حقوق و نیازهای بزه‌دیدگان موضوع بنیادی و مهمی است. نهادهای جامعه مدنی می‌توانند در این رهگذر به افزایش آگاهی نمایندگان مجلس درباره نیاز به قانون‌گذاری در زمینه موضوع‌های مربوط به بزه‌دیدگان کمک شایانی کنند.^{۱۲} تربیت یا تخصیص پلیس، دادستان و حتی دادرس ویژه به منزله پاسخگوی مسائل بزه‌دیدگان یا تشکیل واحدهای ویژه بزه‌دیدگان در کلاتری‌ها، داسراها یا دادگاه‌ها از جمله تدابیری است که در این رهگذر ضروری به شمار می‌رود.

۵. فراهم کردن ساز و کارهای جبران و آگاه‌سازی بزه‌دیدگان از آن

پاراگراف پنجم اعلامیه با به رسمیت شناختن یکی دیگر از حقوق بنیادی برای بزه‌دیدگان به نام «حق جبران»^{۱۳} پیش‌بینی می‌کند که هرگاه توانمند ساختن بزه‌دیدگان در دستیابی به جبران از راه شیوه‌های رسمی و نارسیمی کارآمد، منصفانه، ارزان و دست‌یافتنی ضروری است، ساز و کارهای قضایی و اجرایی باید ایجاد و تقویت شود. به موجب مفاد این پاراگراف بزه‌دیدگان باید از حقوق خود برای جبران با چنین ساز و کارهایی آگاه شوند. خوشبختانه مطالعات نشان داده‌اند که این امکان برای بزه‌دیدگان به گونه فزاینده‌ای در حال فراهم شدن است که در صورت لزوم از میان رسیدگی‌های کیفری، اداری، مدنی یا نارسیمی، یکی را برگزینند.^{۱۴} فراهم کردن یا گسترش امکان طرح ادعاهای مدنی در رسیدگی‌های کیفری یکی از این راه‌هاست. در این صورت، بزه‌دیده می‌تواند با عنوان شاکی خصوصی در فرایند جنایی شرکت کند.^{۱۵}

۶. راه‌های پاسخگویی به نیازهای بزه‌دیدگان

پاراگراف ششم اعلامیه با پرداختن به موضوع دیگری با عنوان راه‌های پاسخگویی به نیازهای بزه‌دیدگان چنین اشعار می‌دارد که شیوه‌های قضایی و اجرایی را در پاسخگویی به این نیازها به شکل زیر باید کارآمدتر ساخت.

¹² *Ibid.*, p. 89.

¹³ redress/remedy

¹⁴ *Guide for Policy Makers*, p. 19.

¹⁵ برای آگاهی بیشتر نک: مهرداد رایجیان اصلی، *بزه‌دیده در فرایند کیفری*، تهران، انتشارات خط سوم، ۱۳۸۱، ص ۳۵.

۱-۶. آگاه‌سازی بزه‌دیدگان در فرایند جنایی

این آگاه‌سازی یعنی آگاه کردن بزه‌دیدگان از نقش و قلمرو خود، زمان‌بندی و پیشرفت رسیدگی‌ها و وضعیت پرونده‌های‌شان بویژه در مورد جرم‌های شدید و هرگاه آنان چنین اطلاعاتی را درخواست کرده باشند. بر این پایه، قانون‌گذاران و سازمان‌های داوطلب می‌توانند اطلاعاتی برای توضیح شیوه‌های قضایی و اجرایی منتشر کنند. انتشار کتاب‌ها یا بروشورهایی که مطالب اصلی آئین دادرسی در آنها مطرح شده و حقوق و تعهدهای بزه‌دیدگان را توصیف کنند، از آن جمله‌اند.^{۱۶} همچنین، مأموران قضایی و اجرایی باید اطلاعات به موقعی را درباره موضوع‌های مربوط به آئین دادرسی و پرونده برای بزه‌دیدگان فراهم کنند.

موضوع مهمی که در زمینه آگاه‌سازی بزه‌دیدگان مطرح می‌شود اطلاع‌رسانی درباره جرم‌های خطرناک است. بر این پایه، مقام قضایی - برای نمونه، دادستان در نظام‌های کیفری دادرسی - در جرم‌های خطرناکی مانند قتل و تجاوز جنسی باید بزه‌دیدہ یا خانواده او را برای بحث و توضیح درباره تصمیم‌های گرفته شده دعوت کند.^{۱۷}

۲-۶. ارائه دیدگاه‌ها و نگرانی‌های بزه‌دیدگان در فرایند جنایی

بر این پایه باید به بزه‌دیدگان اجازه داده شود تا دیدگاه‌ها و نگرانی‌های خود را در مراحل مناسب رسیدگی‌ها بویژه زمانی که در منافع شخصی آنان مؤثر است بدون غرض‌ورزی به متهم و هماهنگ با نظام عدالت جنایی خود ارائه کنند. همسو با مفاد این بند از پاراگراف ششم می‌توان دادستان را نماینده دیدگاه‌ها و نگرانی‌های بزه‌دیدہ در فرایند جنایی انگاشت؛ هر چند ممکن است این نگرانی نیز وجود داشته باشد که این رهیافت نه تنها ممکن است در اختیار داشتن همه اطلاعات مربوط را برای مقام تصمیم‌گیرنده تضمین نکند، بلکه شاید برای خود بزه‌دیدہ نیز فرصت شنیده شدن گفته‌هایش را فراهم نسازد.^{۱۸}

همچنین، در اجرای این بند از پاراگراف ششم اعلامیه می‌توان شیوه‌هایی مانند ارائه فرم‌های ویژه «اظهارات بزه‌دیدہ درباره آثار جرم بر خود»^{۱۹} یا فرم‌های «عقاید

¹⁶ *Ibid.*, p. 19.

¹⁷ *Ibid.*, p. 20.

¹⁸ *Ibid.*

¹⁹ Victim impact statements.

بزه‌دیده درباره جرم» را برای در نظر گرفتن دیدگاه‌ها و نگرانی‌های بزه‌دیدگان در فرایند جنایی مورد بررسی قرار داد.

۳-۶. فراهم کردن کمک مناسب به بزه‌دیدگان در سراسر فرایند حقوقی

یکی از بهترین تدابیر برای فراهم کردن چنین کمکی پیش‌بینی مقرراتی درباره رسیدگی‌های معاف از هزینه دادرسی است. فراتر از اینها، کمک مناسب به بزه‌دیدگان را می‌توان تا سطح «طرح‌ها و برنامه‌های حمایت از بزه‌دیده^{۲۰}» ارتقا داد. برای نمونه، دست‌اندرکاران حمایت از بزه‌دیده می‌توانند یک مددکار اجتماعی یا داوطلب آموزش‌دیده برای همکاری با پلیس در موارد خاص تعیین کنند.^{۲۱}

۴-۶. تأمین امنیت بزه‌دیدگان

یکی دیگر از راه‌های پاسخگویی به نیازهای بزه‌دیدگان در اعلامیه تأمین امنیت بزه‌دیدگان یعنی بکارگیری تدابیری است برای کاهش گرفتاری‌ها و دردهای بزه‌دیدگان، حفاظت از زندگی خصوصی آنان هنگام ضرورت و تضمین امنیت خود و خانواده‌ها و گواهان‌شان در برابر تهدید و انتقام. همسوا مفاد این بند از پاراگراف ششم اعلامیه می‌توان به گسترش رهنمودهایی در ارتباط با بازجویی پلیسی، زمان‌بندی و ترتیب رسیدگی در دادگاه پرداخت که مهم‌ترین نمونه‌های آن به شرح زیر است:

۱. اگر به مال بزه‌دیده (مانند مال به سرقت رفته یا لباس لکه‌دار) به منزله مدرک نیاز باشد، می‌توان عکس‌هایی از آن گرفت یا از مأمور تحقیق گواهی با قید سوگند خواست. سپس، جز در مواردی که یک اعتراض رسمی مطرح شده باشد می‌توان مال را به بزه‌دیده برگرداند.
۲. پرداخت فوری هزینه‌هایی که بزه‌دیده به علت شرکت در تحقیقات پلیس و حضور در رسیدگی‌ها متحمل شده، تا زمان تعیین تقصیر و مشخص شدن مسئول نهایی پرداخت هزینه‌ها.
۳. توجه ویژه به این مسأله که آیا گواهی یک گواه در جلسه دادگاه ضروری است یا نه، و اگر ضروری است آیا احضاریه می‌تواند به گونه دقیق‌تری زمان واقعی رسیدگی به پرونده را مشخص کند یا نه.

²⁰ victim support schemes (VSS)

²¹ *Ibid.*, p. 21.

۴. بررسی امکان رسیدگی‌های غیرعلنی با توجه به این نکته مهم که یکی از خاستگاه‌های بزه‌دیدگی دومین^{۲۲} پیامدهای منفی ناخواسته‌ای است که از علنی بودن دادگاه ممکن است برخیزد. بر همین پایه، دست‌اندرکاران عدالت جنایی بویژه باید به منفعتی که بزه‌دیدگان ممکن است در منتشر نکردن نام و آدرس یا مسائل خصوصی خود داشته باشند، توجه کنند و برای نمونه، انتشار جزئیاتی را که ممکن است به شناسایی یک بزه‌دیدة تجاوز جنسی بینجامد، ممنوع سازند.^{۲۳}

گذشته از این رهنمودهای کلی، بر پایه یک سیاست جنایی افتراقی بزه‌دیدة‌مدار در قبال کودکان و نوجوانان می‌توان رهنمودهای زیر را برای حمایت از کودکان بزه‌دیدة گسترش داد:

۱. ایجاد تمهیداتی برای تغذیه، تسهیلات مراقبت از کودک و دیگر ابزارهای رفاهی هنگام انتظار برای حضور در دادگاه و امکان نگهداری کودکان در اتاق‌های جداگانه برای پرهیز از برخورد‌های نامناسب با مظنون یا خویشاوندان و آشنایان او.
۲. برگزیدن مدافعانی برای کودک بزه‌دیدة که از سوی دادگاه به نام نماینده منافع او قیم قرار داده می‌شوند.
۳. شنیدن گواهی کودکان، برای نمونه به وسیله یک بازجوی ویژه که وی پس از آن به نمایندگی از سوی کودک در دادگاه گواهی دهد.^{۲۴}

۵-۶. پرهیز از تأخیر ناضروری در رسیدگی به پرونده‌ها و اجرای حق جبران

به موجب این بند از پاراگراف ششم اعلامیه دست‌اندرکاران عدالت جنایی می‌تواند رهنمودهایی را درباره رسیدگی سریع به پرونده‌ها از سوی کارکنان قضایی و اداری بدون لطمه زدن به حقوق متهم ترویج کنند. این رهنمودها گاه در چارچوب مقرراتی جهت آسان کردن جبران برای بزه‌دیدگان ممکن است به نظام حقوق داخلی راه یابند. کمک به بزه‌دیدگان در اجرای دستورهای حکم‌های پرداخت خسارت و اولویت

^{۲۲} secondary victimization: یعنی بزه‌دیدگی‌ای که پی‌آمد مستقیم رفتار مجرمانه نیست بلکه از رهگذر برخی نهادها (مانند نظام عدالت جنایی)، افراد و حتی جامعه روی می‌دهد و ممکن است به گسترش اثرهای بزه‌دیدگی نخستین (یا همان اثرهای مستقیم بزه) بینجامد. برخورد نامناسب پلیس با بزه‌دیدة و نگرش منفی خانواده، دوستان و اطرافیان نسبت به بزه‌دیدة از متداول‌ترین گونه‌های بزه‌دیدگی دومین‌ند. برای آگاهی بیشتر نک: *Handbook on Justice for Victims* p. 9.

^{۲۳} *Guide for Policy Makers*, p. 22.

^{۲۴} *Ibid.*

دادن چنین خسارت‌هایی بر جریمه‌های نقدی نمونه‌هایی از این موضوعند.^{۲۵}

۷. لزوم بکارگیری ساز و کارهای نارسمی سازش و جبران

پاراگراف هفتم اعلامیه بر پایه یک الگوی عدالت ترمیمی^{۲۶} پیش‌بینی می‌کند که برای آسان کردن سازش و جبران خسارت از بزه‌دیدگان باید از ساز و کارهای نارسمی حل اختلاف - مانند میانجی‌گری، دادرسی و عدالت سنتی یا روش‌های بومی - متناسب با شرایط - بهره‌برداری کرد. ساز و کارهای غیرقضایی حل اختلاف همواره از دیرباز وجود داشته‌اند و در بسیاری از بخش‌های جهان - از جمله، آفریقا، آسیا و امریکای لاتین - در سطح گسترده‌ای بکار می‌رفته و می‌روند. بر این پایه، می‌توان رسیدگی‌های نارسمی - شامل میانجی‌گری و سازش - را با درخواست دو طرف اختلاف بنیان گذاشت یا تقویت کرد و در برخی موارد نیز از جامعه محلی در تصمیم‌گیری‌ها یاری گرفت.^{۲۷}

پ) جبران خسارت^{۲۸}

نویسندگان اعلامیه ۱۹۸۵ با توجه به اهمیتی که موضوع جبران خسارت در بحث حقوق بزه‌دیده دارد، فصل مستقلی را شامل چهار پاراگراف به این موضوع که خود، برجسته‌ترین گونه حق بنیادی جبران است، اختصاص داده‌اند.

۸. تکلیف بزه‌کار یا اشخاص ثالث به جبران خسارت

به موجب پاراگراف هشتم اعلامیه، بزه‌کاران یا اشخاص ثالثی که در برابر رفتار آنان پاسخگویند باید به گونه منصفانه‌ای از بزه‌دیدگان و خانواده‌ها یا وابستگان آنان جبران خسارت کنند. این جبران خسارت برگرداندن مال یا پرداخت پول برای آسیب یا زیان وارد شده به بزه‌دیده، پرداخت هزینه‌هایی که بزه‌دیده به دنبال بزه‌دیدگی متحمل شده، و خدمات رسانی و ترمیم حقوق او را در بر می‌گیرد. بر این پایه، می‌توان جبران خسارت‌هایی چون هزینه‌های پزشکی، جبران خسارت اموال سرقت شده یا تعمیر و

²⁵ *Ibid.*, p. 23.

²⁶ Restorative Justice. برای آگاهی بیشتر از عدالت ترمیمی نک: علی حسین نجفی ابرندآبادی، «از حقوق کیفری بزه‌دیده مدار تا عدالت کیفری»، دیباچه کتاب بزه‌دیده در فرایند کیفری، مهرداد رایجیان اصلی، صص ۱۱ تا ۲۲؛ علی حسین نجفی ابرندآبادی، «از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی»، *مجله تخصصی دانشگاه علوم رضوی (الهیات و حقوق)*، ش ۹۱۰، پاییز و زمستان ۱۳۸۲، صص ۳ تا ۳۸.

²⁷ *Ibid.*, p. 24.

²⁸ restitution

ترمیم فوری اموال تخریب شده را مجاز شمرد. افزون بر این، جبران درد و رنج‌های عاطفی را نیز می‌توان پذیرفت. سرانجام، شیوه‌های گوناگونی (مانند جبران خسارت در مرحله صدور حکم به منزله یک عامل تخفیف دهنده، اعمال جزای نقدی بالاتر از میزان جبران خسارت و لغو آن در صورت جبران خسارت از بزه‌دیده، اعمال یک حکم مشروط مبنی بر تعلیق حکم مجرم در صورت جبران خسارت، توقیف دارایی‌های اشخاص مسؤول بزه‌دیدگی برای جبران خسارت) از جمله تدابیری است که برای تشویق بزه‌کاران به جبران خسارت به موقع و منصفانه می‌توان بکار گرفت.^{۲۹}

۹. لزوم بازبینی قوانین و مقررات داخلی در زمینه جبران خسارت

اعلامیه در ادامه بحث جبران خسارت به موضوع مهم بازبینی قوانین و مقررات داخلی در این زمینه می‌پردازد. به موجب مفاد این پاراگراف حکومت‌ها باید رویه‌ها، مقررات و قوانین خود را برای در نظر گرفتن جبران خسارت به منزله یک ضمانت اجرا در پرونده‌های کیفری در کنار دیگر ضمانت‌اجراهای کیفری، بازنگری کنند. بر این پایه، دست‌اندرکاران عدالت جنایی می‌توانند حکم به جبران خسارت را به منزله یک ضمانت اجرای اصلی مجاز دانسته و بزه‌کار را به جبران خسارت ملزم کنند. همچنین، اگر دستور جبران خسارت و حکم مجازات در کنار هم مطرح شوند، اولویت با اجرای دستور جبران خسارت است. سرانجام، با گسترش تدابیر جانشین زندان در نظام‌های عدالت جنایی امروزی ضمانت‌اجراهایی مانند پرداخت خسارت مالی به اجتماع^{۳۰}، خدمات اجتماع محور^{۳۱} و جزای نقدی را برای جبران خسارت از بزه‌دیده می‌توان در قوانین و مقررات داخلی به رسمیت شناخت.^{۳۲}

۱۰. چگونگی جبران خسارت زیست محیطی

نویسندگان اعلامیه با توجه به اهمیت موضوع حفاظت از محیط زیست پاراگراف ویژه‌ای را به این موضوع اختصاص داده‌اند. بر پایه مفاد پاراگراف دهم اعلامیه در مواردی که آسیبی بنیادی به محیط زیست وارد شده، هرگاه چنین آسیبی به نابسامانی و اختلال در یک منطقه بینجامد، در صورت صدور دستور جبران خسارت این دستور باید

²⁹ *Guide for Policy Makers*, p. 24; *Handbook on Justice for Victims* p. 48.

³⁰ financial community restitution

³¹ community services

³² *Guide for Policy Makers*, p. 25; *Handbook on Justice for Victims* p. 48.

تا حد امکان در بردارنده بازسازی محیط زیست، نوسازی تأسیسات زیربنایی، جا به جایی و نقل مکان تأسیسات منطقه‌ای و پرداخت هزینه‌های جابه‌جایی باشد. برای پایه، دولت می‌تواند افراد یا شرکت‌هایی را که طرح‌های خطرآفرینی برای محیط زیست بر عهده می‌گیرند، ملزم کند تا با پیش‌بینی بیمه‌ای مشخص زیان‌های احتمالی را پوشش دهند یا پولی برای پوشش دادن چنین زیان‌هایی ذخیره کنند. همچنین، می‌توان جبران خسارت هرگونه آسیب برخاسته از جرم - از جمله، آسیب‌های زیست محیطی - از سوی اشخاص حقوقی یا پرداخت یک مالیات ویژه یا هزینه اضافی برای آسیب‌های وارد شده را پیشنهاد کرد.^{۳۳} بدین ترتیب می‌توان گفت زمانی که خسارت به محیط زیست وارد می‌شود، جامعه - و نماینده آن: دولت - را باید بزه‌دیده انگاشت. این موضوع اگرچه با توجه به حیثیت عمومی جرم درباره همه جرم‌ها می‌تواند درست باشد، در اینجا به دلیل ویژگی خاص پدیده محیط زیست مورد تأکید قرار می‌گیرد.

۱۱. جبران خسارت ویژه دولتی

آخرین موضوعی که نویسندگان اعلامیه در زیر عنوان «جبران خسارت» پاراگراف مستقلی را به آن اختصاص داده‌اند، موضوع جبران خسارت دولتی در فرضی است که مأموران دولتی یا دیگر کارگزارانی که در یک سمت رسمی یا شبه‌رسمی انجام وظیفه می‌کنند، قوانین کیفری داخلی را نقض می‌کنند که در این صورت بزه‌دیده حق دارد از دولتی که مأموران یا کارگزاران آن پاسخگوی آسیب وارد شده‌اند خسارت بگیرد. حتی اگر حکومتی که فعل یا ترک فعل مرتکب در قلمرو حاکمیت آن ارتکاب یافته است دیگر وجود نداشته باشد، دولت جانشین باید خسارت بزه‌دیده را جبران کند (بنگرید به پاراگراف یازدهم). بدین ترتیب، اعلامیه به موجب مفاد این پاراگراف برای دولت‌ها در قبال جرم‌های ارتكابی مأموران خود نوعی مسؤولیت مدنی - و به زبان بزه‌دیده شناسانه - جبران خسارت دولتی در نظر گرفته است.

ت - غرامت^{۳۴}

یکی از نوآوری‌های اعلامیه ۱۹۸۵ که پیش از این نه در نوشتگان عمومی و نه در آثار

³³ *Ibid.*

³⁴ compensation

تخصصی حقوقی به روشنی تفکیک نشده بود^{۳۵}، جدا کردن دو مفهوم جبران خسارت و غرامت است که هر دو در زیر مفهومی بنیادی به نام حق جبران می‌گنجند. در این خصوص، نویسندگان اعلامیه زمانی که از حق جبران برای بزه‌دیدگان جرم‌های داخلی سخن گفته‌اند، از واژه redress، و برای بزه‌دیدگان جرم‌های بین‌المللی از واژه remedy بهره گرفته‌اند. (به ترتیب بنگرید به پاراگراف‌های ۴ و ۵، و ۱۹ و ۲۱). جبران خسارت، همچنان که در پاراگراف‌های پیشین دیدیم، تکلیف بزه‌کار یا اشخاص ثالث به برگرداندن مال یا پرداخت پول برای آسیب یا زیان وارد شده به بزه‌دیده و نیز پرداخت هزینه‌هایی است که بزه‌دیده به دنبال بزه‌دیدگی متحمل شده و افزون بر اینها، خدمات رسانی و ترمیم حقوق بزه‌دیده را نیز در بر می‌گیرد. ولی، پرداخت غرامت در جایی است که بزه‌کار یا شخص مسئول جبران خسارت به دلایلی چون فرار، مرگ و ناتوانی و مانند اینها در دسترس نبوده و بدین ترتیب، امکان جبران خسارت فراهم نباشد. بدین‌سان، جبران خسارت و پرداخت غرامت به منزله تأیید و به رسمیت شناختن خسارت‌های بزه‌دیده از رهگذر یک نظام ترمیمی و در چارچوب یک الگوی عدالت ترمیمی است. با وجود این تفکیک، به نظر می‌رسد در آثار بیرون از اعلامیه ۱۹۸۵ همچنان می‌توان این دو مفهوم را هم معنا و مترادف دانست.^{۳۶} به هر حال، پاراگراف‌های ۱۲ و ۱۳ اعلامیه با اختصاص عنوان «غرامت» به گونه‌ای دیگر از حق جبران دو حالت زیر را از هم جدا کرده‌اند:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

^{۳۵} برای نمونه نک: *Black's Law Dictionary* (Pocket edition), p. 547.

یادآور می‌شود نویسندگان «کنوانسیون اروپایی پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان جرم‌های خشونت‌بار» (مصوب ۱۹۸۳ شورای اروپا) هم از آنجا که موضوع این کنوانسیون به پرداخت غرامت دولتی به بزه‌دیدگان اختصاص دارد، از واژه compensation در عنوان آن بهره گرفته‌اند. برای دیدن متن برگردان این سند نک: مهرداد رایجیان اصلی، «سه گفتار تطبیقی در بزه‌دیدة‌شناسی: داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی»، صص ۱۸۲ تا ۱۸۷.

^{۳۶} گفتنی است که در حقوق انگلستان جبران خسارت به منزله قاعده‌ای خاص (the law of restitution) شناخته می‌شود که درباره آن حکم گروهی از جبران خسارت‌هاست که ویژگی مشترک‌شان در امور کیفری محروم ساختن متهم (بزه‌کار) از یک بهره و سود معین است تا جبران خسارت از شاکی (بزه‌دیده). برای آگاهی بیشتر نک:

Graham Viro, *The Principle of the Law of Restitution*, Oxford University Press, 1999, pp. 3 & 556.

۱۲. لزوم جایگزینی پرداخت غرامت دولتی در موارد دسترس ناپذیری بزه‌کار یا

دیگر منابع

نخستین حالتی که در پاراگراف دوازدهم اعلامیه پیش‌بینی شده زمانی است که دریافت کامل غرامت از بزه‌کار یا دیگر منابع امکان‌پذیر نیست که در این صورت دولت‌ها باید در فراهم کردن غرامت مالی برای خانواده و بویژه وابستگان اشخاصی که به دنبال این بزه‌دیدگی فوت کرده یا به ناتوانی بدنی یا روانی دچار شده‌اند بکوشد. پرداخت غرامت دولتی که پس از پایان جنگ جهانی دوم، نخست در سال ۱۹۶۳ به حقوق زلاندنو و سپس در سال‌های ۱۹۶۴ و ۱۹۶۵ به حقوق بریتانیا و امریکاراه یافته بود^{۳۷}، امروزه با اقبال بسیاری از کشورها روبه‌رو شده و همچنان رو به گسترش است. این غرامت هنگامی پرداخت می‌شود که جبران خسارت کامل از سوی بزه‌کار یا دیگر منابع (همچون بیمه خصوصی) امکان‌پذیر نباشد و همچنان که در پاراگراف دوازدهم آمده هم بزه‌دیدگان مستقیم و هم نامستقیم را در بر می‌گیرد.

۱۳. تأسیس صندوق ملی پرداخت غرامت

دومین حالتی که برای فراهم کردن امکان پرداخت غرامت این بار در پاراگراف سیزدهم اعلامیه پیش‌بینی شده تأسیس صندوق‌های ملی پرداخت غرامت است. بر این پایه، دولت‌ها باید تأسیس، تقویت و گسترش صندوق‌های ملی را برای پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان تشویق کنند. همچنین، در صورت لزوم، صندوق‌های دیگری را نیز می‌توان پیش‌بینی کرد؛ از جمله در پرونده‌هایی که دولت متبوع بزه‌دیده در موقعیتی نیست که برای آسیب وارد شده به بزه‌دیده غرامت بدهد. همسو با مفاد این پاراگراف، دولت‌ها می‌توانند پرداخت غرامت دولتی را از رهگذر جزایهای نقدی، اضافه مالیات شهروندی، دارایی‌های توقیف شده از بزه‌کار یا اضافه نرخ در مورد طرح‌های بیمه خصوصی تأمین بودجه کنند. دولت‌ها همچنین می‌توانند برای جلب مشارکت در سهم شدن در چنین منابعی معافیت‌های مالیاتی برای نیکوکاران در نظر گیرند.^{۳۸}

³⁷ Albert R. Roberts, *Helping Crime Victims: Research, Policy and Practice*, Sage Pub., 1990, p. 28.

³⁸ *Guide for Policy Makers*, p. 27.

ث - کمک به بزه‌دیدگان

پاراگراف‌های ۱۴ تا ۱۷ اعلامیه ۱۹۸۵ به فصل دیگری در پرتو بزه‌دیده‌شناسی حمایتی زیر عنوان «کمک به بزه‌دیدگان» پرداخته‌اند.

۱۴. گونه‌های حمایت‌های مورد نیاز بزه‌دیدگان

به موجب پاراگراف چهاردهم اعلامیه، بزه‌دیدگان باید در چارچوب ابزارهای حکومتی، داوطلبانه، اجتماع محور و بومی کمک‌های مادی، پزشکی، روان شناسانه و اجتماعی لازم دریافت کنند. به طور کلی، جنبه‌های گوناگون کمک به بزه‌دیدگان را بر پایه مفاد این پاراگراف می‌توان به حمایت مالی و اقتصادی، پزشکی، عاطفی، حقوقی و اجتماعی تقسیم کرد.

حکومت‌ها باید از شبکه‌های محلی و اجتماع محور - به منزله بخش بنیادی حمایت از بزه‌دیده و توانمند ساختن وی - پشتیبانی کرده و این شبکه‌ها را تشویق کنند. بر این پایه، دست‌اندرکاران عدالت جنایی می‌توانند برای تضمین دسترسی بزه‌دیدگان به ساز و کارهای عدالت و جبران خسارت فوری برنامه‌هایی را برای خدمات رسانی به بزه‌دیدگان تعیین و اجرا کنند و از رهگذر این برنامه‌ها امکان شرکت نمایندگان را از سوی بزه‌دیدگان در فرایند عدالت جنایی فراهم سازند. مهم‌ترین مؤلفه‌های چنین برنامه‌هایی عبارتند از: «مداخله در بحران‌های پیش‌آمده، مشاوره، حمایت در مرحله‌های تحقیق، پیگرد، رسیدگی و پس از آن، آموزش برای متخصصان مربوط در حوزه‌های حمایت از بزه‌دیده، آموزش همگانی و پیشگیری» که بر پایه یک اولویت‌بندی و زمان‌بندی مشخص باید به بزه‌دیدگان ارائه شود.^{۳۹}

۱۵. آگاه‌سازی بزه‌دیدگان از دسترس‌پذیری خدمات گوناگون

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مهم برنامه کمک به بزه‌دیده آگاه‌سازی بزه‌دیدگان از دسترس‌پذیری خدمات گوناگون است. بر پایه پاراگراف پانزدهم اعلامیه، بزه‌دیدگان باید از دسترس‌پذیری خدمات بهداشتی، اجتماعی و دیگر کمک‌های مربوط آگاه شوند و دسترسی فوری و آسان به این خدمات برای‌شان فراهم شود. دست‌اندرکاران عدالت جنایی بر این پایه می‌توانند برای کمک به بزه‌دیدگانی که نیازمند کمک‌های فوری‌اند، بروشورها و کتابچه‌هایی را شامل خدمات مورد نیاز منتشر کنند.^{۴۰}

³⁹ *Handbook on Justice for Victims* pp. 11-53.

⁴⁰ *Guide for Policy Makers*, p. 31.

۱۶. آموزش دست‌اندرکاران عدالت جنایی و دیگر کارکنان مربوط

پاراگراف شانزدهم اعلامیه به یکی دیگر از مؤلفه‌های برنامه‌های کمک به بزه‌دیدگان می‌پردازد. این پاراگراف افسران پلیس، دست‌اندرکاران دادگستری، خدمات بهداشتی، خدمات اجتماعی و دیگر کارکنان مربوط را برای آگاهی از اهمیت نیازهای بزه‌دیدگان و دریافت رهنمودهای لازم برای حمایت از آنان به آموزش فرامی‌خواند. همسو با مفاد این پاراگراف دست‌اندرکاران عدالت جنایی باید در وهله نخست توجه خود را بر نقش پلیس در رفتار با بزه‌دیدگان متمرکز کنند. زیرا، پلیس معمولاً نخستین کانون تماس بزه‌دیده با نظام عدالت جنایی است. در این رهگذر باید به پلیس تأکید شود تا با بزه‌دیده همچون یک انسان و نه یک منبع دلیل رفتار کند. پلیس آموزش‌دیده باید خدمات بنیادی (مانند تشریح آئین دادرسی و تحقیقات پلیس، چگونگی نگهداری و حفظ دلایل، و آگاه‌سازی بزه‌دیدگان) را در اختیار آنان بگذارد.^{۴۱}

۱۷. کمک رسانی به بزه‌دیدگان خاص

با توجه به اهمیت موضوع حمایت از گونه‌های خاص بزه‌دیدگان - از جمله، زنان، کودکان، سالمندان و ناتوانان - پاراگراف هفدهم اعلامیه موضوع کمک به این بزه‌دیدگان را به طور ویژه مورد تأکید قرار داده است. بر پایه مفاد این پاراگراف در خدمات رسانی و کمک به بزه‌دیدگان، به کسانی که به علت ماهیت آسیب وارد شده یا عواملی مانند آنچه در پاراگراف سوم آمده^{۴۲} نیازهای ویژه‌ای دارند، باید بیشتر توجه شود. بر این پایه، دست‌اندرکاران عدالت جنایی باید برنامه‌های ویژه‌ای را برای گروه‌های آسیب‌پذیرتر بزه‌دیدگان پیش‌بینی کنند. این برنامه‌ها باید در برگیرنده بزه‌دیدگان جرم‌هایی چون تعرض و تجاوز جنسی، ضرب و جرح‌ها و انواع خشونت‌ها و کودک آزاری باشد.^{۴۳}

ج - بزه‌دیدگان سوءاستفاده از قدرت^{۴۴}

چهار پاراگراف پایانی از بخش دوم اعلامیه ۱۹۸۵ به طبقه خاصی از بزه‌دیدگان - یعنی قربانیان سوءاستفاده از قدرت - اختصاص دارد. اعلامیه ۱۹۸۵ را نخستین سند

^{۴۱} *Handbook on Justice for Victims* pp. 60-62.

^{۴۲} پاراگراف سوم اعلامیه - همچنان که دیدیم - به تبعیض ناپذیری مقررات درج شده در این اعلامیه نسبت به اشخاص بزه‌دیده مربوط است.

^{۴۳} *Guide for Policy Makers*, p. 32.

^{۴۴} Victims of abuse of power

بین‌المللی باید به شمار آورد که اصطلاح «سوءاستفاده از قدرت» را از نوشتگان علوم سیاسی به حوزه علوم جنایی^{۴۵} وارد کرده است؛ هر چند این نخستین تلاش سازمان ملل متحد برای پیشگیری از گونه‌های سوءاستفاده از قدرت نیست. زیرا، این سازمان از آغاز تأسیس پیشگیری از این پدیده شوم را از رهگذر مبارزه با نقض حقوق بشر همواره در دستور کار خود داشته است. «اعلامیه جهانی حقوق بشر»، «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»، «کنوانسیون پیشگیری از نسل‌زدایی و کیفر [مرتکبان آن]»، «کنوانسیون حمایت از همه اشخاص در معرض شکنجه و دیگر رفتارهای ستمگرانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز»، «کنوانسیون حقوق کودک»، «کنوانسیون رفع همه شکل‌های تبعیض علیه زنان»^{۴۶} و سرانجام، «اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری»^{۴۷} از جمله دستاوردهای سازمان ملل در پیشگیری از «سوءاستفاده از قدرت» بر پایه یک نظام حقوق بشرند. با وجود این، اعلامیه ۱۹۸۵ نخستین سندی است که در چارچوب یک بزه‌دیدة‌شناسی حمایتی سوءاستفاده از قدرت را تعریف می‌کند و به تکلیف دولت‌ها در قبال آن می‌پردازد.

۱۸. تعریف بزه‌دیدگان سوءاستفاده از قدرت

پاراگراف هجدهم از بخش دوم اعلامیه این بزه‌دیدگان را اشخاصی تعریف می‌کند که به دنبال فعل‌ها یا ترک فعل‌هایی که هنوز در قوانین داخلی جرم شناخته نشده، ولی نقض‌کننده هنجارهای شناخته شده بین‌المللی در زمینه حقوق بشرند، به شکل فردی یا گروهی به آسیب بدنی یا روانی، درد و رنج عاطفی، زیان اقتصادی یا آسیب اساسی به حقوق بنیادی خود دچار شده‌اند. با در نظر گرفتن تعریف اعلامیه ۱۹۸۵، ورود مفهوم سوءاستفاده از قدرت را به حوزه نوشتگان علوم جنایی می‌توان دستاورد پیوند دو مفهوم حقوق بشر و بزه‌دیدة‌شناسی^{۴۸} دانست.

بدین ترتیب، سوءاستفاده از قدرت به رفتارهایی گفته می‌شود که در سطح

^{۴۵} در مورد علوم جنایی نک: علی حسین نجفی ابرندآبادی، «از حقوق جنایی تا علوم جنایی»، دیپاچه در: *علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)*، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۳، صص هفت تا نوزده.

^{۴۶} برای دیدن برگردان پارسی سندهای یادشده نک: اردشیر امیرارجمند (ناظر)، *مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر*، ج ۱، قسمت اول: اسناد جهانی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱.

^{۴۷} برای دیدن برگردان پارسی اساسنامه نک: *اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و سند نهایی کنفرانس دیپلماتیک رم*، دفتر امور بین‌الملل قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۷.

^{۴۸} درباره پیوند دو مفهوم حقوق بشر و بزه‌دیدة‌شناسی نک:

Robert Elias, *The Politics of Victimization - Victims, Victimology and Human Rights*, New York, Oxford University Press, 1986, p. 185.

بین‌المللی از زاویه حقوق بشر جرم انگاشته می‌شوند و به دیگر سخن، آنها را می‌توان «جرم‌های بین‌المللی» دانست. جرم‌های سازمان یافته (مانند قاچاق زنان و کودکان یا قاچاق مواد مخدر^{۴۹}) طیف گسترده‌ای از این رفتارها را در بر می‌گیرد. همچنین، جرم‌هایی که در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری ممنوع شده‌اند^{۵۰} (نسل‌زدایی، جنایت‌های علیه بشریت و جنایت‌های جنگی) در همین ردیف قرار می‌گیرند.^{۵۱}

در این اساسنامه با تأکید بر اهمیت این موضوع مقررات گوناگونی چون عدم تأثیرگذاری سمت رسمی افراد در مسئولیت کیفری آنان (ماده ۲۷)، مسئولیت فرماندهان نظامی و دیگر مقام‌های بالاتر (ماده ۲۸) و غیرقانونی بودن دستور مقام بالاتر (ماده ۳۳) پیش‌بینی شده است. همچنین، در این اساسنامه مواد ویژه‌ای به بزه‌دیدگان اختصاص یافته است. برای نمونه در ماده ۶۸ مقرراتی درباره تأمین امنیت بزه‌دیدگان و گواهان به چشم می‌خورد. ماده ۷۵ نیز درباره «جبران برای بزه‌دیدگان»^{۵۲} مقررات مفصلی را درباره چگونگی جبران خسارت و حمایت از حقوق بزه‌دیدگان پیش‌بینی کرده است.^{۵۳} یکی از نکات قابل توجه در این اساسنامه در ماده ۸۵ نهفته است که حق جبران را حتی به اشخاص بازداشت شده یا محکوم اعمال‌پذیر می‌داند.

در کنار اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری سندهای دیگری مانند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون پیشگیری از نسل‌زدایی...، کنوانسیون حقوق کودک، و کنوانسیون رفع همه‌گونه تبعیض علیه زنان مبنای بازنگری قوانین و مقررات نظام‌های

^{۴۹} درباره ملاک‌های شناخت جرم سازمان‌یافته نک: آدام سی. بولوکوس و گراهام فارل، «جرم سازمان‌یافته و قاچاق مواد مخدر: تلاش‌های سازمان ملل»، ترجمه مهرداد رایجیان اصلی، مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر (مقالات برگزیده)، ج ۳، تهران، انتشارات روزنامه رسمی، ۱۳۷۹، ص ۲۳۷.

^{۵۰} Kriangsak Kittachaisaree, *International Criminal Law*, Oxford University Press, First Pub., 2001, p. 67.

^{۵۱} یادآور می‌شود با تصویب اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری (۱۹۹۸-رم) اکنون جرم (جنایت) بین‌المللی مفهوم خاص و مستقلی پیدا کرده است، به گونه‌ای که آن را باید از مفهوم جرم سازمان یافته جدا کرد. روشن است از آنجا که در زمان تصویب اعلامیه ۱۹۸۵ هنوز اساسنامه رم شکل نگرفته بود، این تفکیک نیز به روشنی وجود نداشت و همه جرم‌های درج شده در کنوانسیون‌هایی چون کنوانسیون منع شکنجه (۱۹۸۴)، کنوانسیون منع نسل‌زدایی (۱۹۴۸)، کنوانسیون منع قاچاق مواد مخدر (۱۹۸۸) وین... جرم (جنایت) بین‌المللی به شمار می‌رفتند.

^{۵۲} تعبیر نویسندگان اساسنامه از حق جبران، بر خلاف اعلامیه، واژه reparation است که خود سه گونه دارد: جبران خسارت (restitution)، پرداخت غرامت (compensation)، و توان‌بخشی و اعاده حیثیت (rehabilitation).

^{۵۳} *Ibid.*, p. 299.

حقوق داخلی به شمار می‌روند که بر پایه آنها می‌توان به بهبود موقعیت بزه‌دیدگان نقض‌های صورت گرفته نسبت به هنجارهای شناخته شده بین‌المللی در زمینه حقوق بشر امیدوار بود.^{۵۴}

۱۹. سوءاستفاده از قدرت - از جرم‌انگاری بین‌المللی تا جرم‌انگاری داخلی

از آنجا که در باور نویسندگان اعلامیه ۱۹۸۵ سوءاستفاده از قدرت رفتارهایی است که در سطح بین‌المللی ممنوع شناخته شده، ولی هنوز به حقوق داخلی راه نیافته‌اند، پاراگراف نوزدهم اعلامیه دولت‌ها را موظف می‌کند که هنجارهایی را که سوءاستفاده از قدرت را ممنوع می‌کنند، در قوانین خود بگنجانند و راه‌های جبرانی برای بزه‌دیدگان چنین سوءاستفاده‌هایی بیندیشند. این راهکارها بویژه باید در برگیرنده جبران خسارت یا پرداخت غرامت، کمک و حمایت مادی، پزشکی، عاطفی و اجتماعی باشد. بدین ترتیب است که بر پایه مفاد این پاراگراف بزه‌دیدگان سوءاستفاده از قدرت از همان حقوق مقرر برای بزه‌دیدگان که در بخش نخست اعلامیه آمده است، بهره‌مندند.^{۵۵} رویکرد حمایتی قوانین داخلی باید افزون بر جنبه کیفری، جبران برای بزه‌دیدگان گروهی - همچون بزه‌دیدگان نسل‌زدایی - را هم در بر گیرد.

۲۰. انعقاد معاهدات بین‌المللی چندجانبه درباره بزه‌دیدگان سوءاستفاده از

قدرت

پاراگراف بیستم اعلامیه برای تضمین هر چه بیشتر حمایت از بزه‌دیدگان سوءاستفاده از قدرت دولت‌ها را مکلف می‌کند تا در زمینه عقد معاهدات چندجانبه بین‌المللی مربوط به این بزه‌دیدگان مذاکره کنند. در چند کنوانسیون - از جمله، کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون رفع همه‌گونه تبعیض علیه زنان یا کنوانسیون منع شکنجه - ساز و کارهایی برای نظارت بر پیروی از آن‌ها پیش‌بینی شده است. کمیته‌های حقوق کودک، شکنجه و رفع تبعیض علیه زنان نمونه‌هایی از این ساز و کارهاست. همچنین می‌توان از دادگاه‌های منطقه‌ای حقوق بشر - برای نمونه در اروپا و امریکای لاتین - نام برد که به پرونده‌هایی در زمینه مسائل بزه‌دیدگان - از جمله، شکایت‌های مربوط به

^{۵۴} برای دیدن متن برگردان پارسی این سندها نک: اردشیر امیراجمند، پیشین.

^{۵۵} البته آنچنان که در کتابچه راهنمای اعلامیه آمده بهره‌مندی این بزه‌دیدگان از حقوق یادشده به تصویب قوانین داخلی ویژه‌ای بستگی دارد که رفتارهای دربردارنده سوءاستفاده از قدرت (مندرج در اسناد و کنوانسیون‌های حقوق بشری) را زیر پوشش خود بگیرد. نک: *Guide for Policy Makers*, p. 34.

بدرفتاری با زندانیان یا جبران برای بازماندگان افراد ناپدید شده - رسیدگی کرده‌اند.^{۵۶}

۲۱. تصویب قوانین داخلی و بازنگری در آنها متناسب با دگرگونی شرایط

با وجود آنکه پاراگراف نوزدهم اعلامیه به تکلیف دولت‌ها در گنجاندن هنجارهای ممنوع کننده سوءاستفاده از قدرت در قوانین داخلی خود اشاره کرده بود، پاراگراف بیست و یکم در پایان اعلامیه بار دیگر این تکلیف را مورد تأکید قرار می‌دهد. به موجب مفاد این پاراگراف، دولت‌ها باید برای تضمین پاسخگویی خود به دگرگونی شرایط، در قوانین و رویه‌های موجود خود بازنگری کنند و در صورت لزوم، قوانینی را برای ممنوع کردن سوءاستفاده‌های شدید از قدرت سیاسی یا اقتصادی و نیز برای ترویج ساز و کارهای پیشگیرنده از این اعمال تصویب و اجرا کنند. همچنین دولت‌ها باید قوانین و شیوه‌هایی را جهت جبران مناسب و فوری برای بزه‌دیدگان چنین اعمالی گسترش دهند و ایجاد کنند. بر این پایه، دولت‌ها باید بر اساس تعهدات بین‌المللی یا درخواست هیأت‌های سازمان ملل متحد شیوه‌هایی برای گزارش‌دهی در زمینه بزه‌دیدگان سوءاستفاده از قدرت به وجود آورند. بازنگری پیوسته در قوانین و اجرای آنها هم باید مفهوم سوءاستفاده از قدرت را فراتر از موضوع‌های زیر پوشش در معاهدات حقوق بشری تا جایی در نظر بگیرد که توجه شایسته به آسیب وارد شده از رهگذر رویه‌های اقتصادی، زیست محیطی و فنی را که شاید هنوز در برخی کشورها جرم انگاشته نشده، ولی آسیب گروهی یا فردی بسیاری وارد می‌کنند، نیز در بر گیرد.

نتیجه

بزه‌دیده‌شناسی حمایتی نام رویکرد نویی در مطالعات علوم جنایی است که به دنبال ملاحظات انسان‌مدارانه نیمه دوم سده بیستم و پیدایش نظام حقوق بشر^{۵۷} جنبه جهانی یافته است. بازتاب یافته‌های این رویکرد نوپا در اسناد بین‌المللی (مانند کنوانسیون اروپایی پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان جرم‌های خشونت‌بار^{۵۸}) رفته‌رفته آن را به یکی از

^{۵۶} *Ibid.*, p. 35.

^{۵۷} درباره نظام حقوق بشر نک: دوره چند جلدی کتاب‌های مشترک برنامه عمران ملل متحد (UNDP) و دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، انتشارات دانشگاه تهران، و نیز نشر گرایش، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳.

^{۵۸} برای دیدن متن برگردان این کنوانسیون نک: مهرداد رایجیان اصلی، «سه گفتار تطبیقی در بزه‌دیده‌شناسی: داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی»، صص ۱۸۲ تا ۱۸۷.

کانون‌های توجه نهادهای تصمیم‌گیر و سیاست‌گذار از جمله، سازمان ملل متحد تبدیل ساخت. این دگرگونی، خود به دگردیدی رویکرد مورد بحث به منزله یکی از تعهدات دولت‌های عضو جامعه بین‌المللی انجامید، به گونه‌ای که هر چند اصول و ملاک‌های بزه‌دیدة‌شناسی حمایتی هنوز در زمره تعهدهای الزام‌آور دولت‌ها به شمار نمی‌رود، ولی با تصویب «اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت» دولت‌های عضو سازمان ملل متحد خود را به نوعی به رعایت اصول و ملاک‌های بازتاب یافته در این اعلامیه جهانی پای‌بند می‌دانند. اعلامیه ۱۹۸۵ را از این حیث می‌توان با اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸ - مجمع عمومی سازمان ملل متحد^{۵۹}) مقایسه کرد که اگرچه از اعتبار یک سند الزام‌آور بین‌المللی برخوردار نیست، هیچ‌یک از دولت‌های عضو هرگز خود را از اجرای تعهدهای حقوقی‌شان در قبال همکاری با سازمان ملل برای تحقق اصول درج شده در این اعلامیه بی‌نیاز نمی‌بینند.^{۶۰} بدین سان، اعلامیه ۱۹۸۵ را به دلیل تفاوت ظریفی که در سیاق عبارات خود با اعلامیه جهانی حقوق بشر دارد^{۶۱}، سندی حتی فراتر از یک توصیه‌نامه ساده می‌توان انگاشت که قادر است به روند تحولات بین‌المللی در حوزه بزه‌دیدة‌شناسی سرعت بیشتری ببخشد. تأثیر اعلامیه ۱۹۸۵ را از این جهت باز می‌توان با اثر اعلامیه جهانی حقوق بشر مقایسه کرد که از زمان تصویب (۱۹۴۸) الهام بخش همه ارکان سازمان ملل متحد در تصویب قطعنامه‌ها، اعلامیه‌ها و عهدنامه‌های جهانی برای ارتقای حقوق بشر بوده است.^{۶۲} از این رو، اعلامیه ۱۹۸۵ در باور ما به مثابه منشوری در بردارنده اصول و ملاک‌های یک بزه‌دیدة‌شناسی حمایتی است که با وارد شدن به نظام حقوق داخلی کشورهای عضو باید جامه عمل بر تن کند.^{۶۳} اصول و ملاک‌های یاد شده را بر پایه آنچه از تحلیل مفاد اعلامیه در این مقاله

۵۹ برای دیدن متن برگردان این اعلامیه نک: اردشیر امیراجمند، پیشین، صص ۷۱ تا ۷۷.

۶۰ هدایت الله فلسفی، «تدوین و اعتلای حقوق بشر در جامعه بین‌المللی»، مجله تحقیقات حقوقی، ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵، ش ۱۶-۱۷، ص ۱۱۲.

۶۱ بد نیست بدانیم که در اعلامیه ۱۹۸۵ بر خلاف اعلامیه جهانی حقوق بشر که حتی در آن عبارتی چون «توصیه می‌شود» نیز نمی‌توان یافت، تنها ۲۳ بار مشتقات مصدر «بایستن» (برابر نهادهای shall و should در انگلیسی) به چشم می‌خورد که روی سخن آن عمدتاً با دولت‌های عضو سازمان ملل متحد و طرف اعلامیه است.

۶۲ هدایت الله فلسفی، پیشین، ص ۱۱۰.

۶۳ ملاک‌های جهانی در زمینه حمایت از بزه‌دیدگان و میزان اعتبار آنها (سخنرانی نگارنده در مؤسسه مطالعات عالی بین‌المللی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران - اردیبهشت ۱۳۸۴).

گذشت، چنین می‌توان جمع‌بندی کرد:

نخست، ملاک‌های ناظر بر به رسمیت شناختن بزه‌دیدگان در چارچوب ارائه تعریفی - تا اندازه امکان، جامع - که اصولاً برای شناخت هر پدیده و مفهومی در یک بررسی مطالعاتی ضروری است. بر این پایه، دو تعریف از بزه‌دیدگان در اعلامیه ملاحظه می‌شود: یکی، تعریف قربانیان جرم در پاراگراف نخست (که امروز در نوشتگان علوم جنایی به «بزه‌دیدگان» مشهورند) و دیگری، تعریف بزه‌دیدگان سوءاستفاده از قدرت در پاراگراف هجدهم. نقطه مشترک هر دو تعریف قسمت نخست آنهاست که در کنار فردی یا گروهی بودن بزه‌دیدگی به مهم‌ترین پیامدهای آن (آثار بزه‌دیدگی) می‌پردازند. تفاوت برجسته دو تعریف نیز به قسمت دوم آنها مربوط می‌شود که به خاستگاه بزه‌دیدگی باز می‌گردد. خاستگاه بزه‌دیدگی در تعریف نخست، پدیده مجرمانه یا همان جرم (بزه) است، در حالی که سوءاستفاده از قدرت به منزله پدیده‌ای تازه وارد در نوشتگان علوم جنایی خاستگاه بزه‌دیدگی در دومین تعریف به شمار می‌رود.^{۶۴} روشن است که مفهوم بزه در حقوق داخلی با مفهوم جرم بین‌المللی متفاوت است و بر همین پایه، نقش بزه‌دیدگی در حقوق بین‌الملل کیفری با نقش و جایگاه بزه‌دیدگی در نظام حقوق داخلی یکی نیست.^{۶۵} سوءاستفاده از قدرت، بدین‌سان، دستاورد تلاقی دو نظام - یعنی حقوق بشر و حقوق کیفری - است که در ایستگاهی به نام حقوق بین‌الملل کیفری به هم رسیده‌اند. به رسمیت شناختن دسته‌های دوگانه بزه‌دیدگان (به شرح بالا) این پی‌آمد را به دنبال دارد که نه تنها قربانیان جرم (بزه‌دیدگان) باید از حقوق مشخصی بهره‌مند باشند، بلکه بزه‌دیدگان سوءاستفاده از قدرت نیز باید از همان حقوق مشخص بهره‌مند گردند. اگر چه در باور برخی نویسندگان^{۶۶} - آنچنان که از مفاد اعلامیه برداشت می‌کنند - بهره‌مندی بزه‌دیدگان سوءاستفاده از قدرت از این حقوق به تصویب قوانین ویژه‌ای در حقوق داخلی کشورها برای به رسمیت شناختن این بزه‌دیدگان - و اصولاً به رسمیت شناختن مفهوم سوءاستفاده از قدرت - بستگی دارد^{۶۷}، به نظر ما تحولات حقوق بین‌الملل کیفری نشان می‌دهد که چنین بزه‌دیدگانی را گذشته از اینکه در حقوق داخلی کشور متبوع‌شان قوانین ویژه‌ای درباره سوءاستفاده از قدرت پیش‌بینی شده باشد یا نه، در محضر

⁶⁴ Heidy Rombouts, *op. cit.*, p. 94.

⁶⁵ Timotly K. Kuhner, "The Status of Victims in the Enforcement of International Criminal Law", *Oregon Review of International Law*, Vol. 95, 2004, pp. 97-8.

⁶⁶ Heidy Rombouts, *op. cit.*, p. 94.

⁶⁷ نک: پاراگراف‌های ۱۹، ۲۰ و ۲۱ اعلامیه.

نهادهای بین‌المللی همچون دیوان بین‌المللی کیفری^{۶۸} - که بی‌گمان به آینده آن باید امیدوار بود - می‌توان بهره‌مند از حقوقی مانند آنچه بزه‌دیدگان در حقوق داخلی ملی از آن بهره‌مندند، دانست.^{۶۹}

در کنار دو تعریف ارائه شده در اعلامیه، نویسندگان این منشور نه تنها گستره مفهوم بزه‌دیده را به خانواده - و به طور کلی - همه وابستگان به او تسری داده و از این رهگذر دو مفهوم کلیدی بزه‌دیدة‌شناسی حمایتی (یعنی بزه‌دیدگان مستقیم و نامستقیم) را پذیرفته‌اند، بلکه با تأکید بر تبعیض ناپذیری مقررات اعلامیه نسبت به همه اشخاصی که بزه‌دیده انگاشته می‌شوند، بر ویژگی حقوق بشری این سند قاعده‌ساز جهانی پای فشرده‌اند.

دوم، به رسمیت شناختن حقوقی مشخص برای بزه‌دیدگان به منزله حقوق انسانی آنان؛ یعنی حقوقی که آنان به دلیل انسان بودن و بر پایه نظام حقوق بشر باید از آن بهره‌مند باشند. بر همین پایه، در اعلامیه عنوان مهمی به نام «دسترسی به عدالت و رفتار منصفانه» به این موضوع اختصاص یافته است. به نظر ما، اصطلاح «رفتار منصفانه» یکی از نوآوری‌های مهم اعلامیه برای تأکید بر دستیابی به یک سیاست جنایی دوگانه است که همزمان بر مدار متهم - بزه‌کار و بزه‌دیده می‌چرخد. به دیگر سخن، همچنان که مفهوم «دادرسی عادلانه» بیانگر به رسمیت شناختن حقوقی معین برای متهمان و بزه‌کاران است^{۷۰}، اصطلاح «رفتار منصفانه» نشان دهنده به رسمیت شناختن حقوقی مشخص برای دیگر کنش‌گر پدیده مجرمانه - یعنی بزه‌دیده - است که هر دو در پرتو یک نظام عدالت و سیاست جنایی انسان‌مدار و پای‌بند به ملاک‌های حقوق بشر رنگ واقعیت به خود می‌گیرند. بر پایه مفهوم «رفتار منصفانه»، این حقوق مشخص یا در زمره بنیادی‌ترین حقوق انسانی بزه‌دیده به شمار می‌رود که وجود آن به حکم اخلاق و عدالت برای رعایت احترام به منزلت بزه‌دیده ضروری است، یا به منزله حقوق عینی و مادی بزه‌دیده

۶۸ نک: اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری (مصوب ۱۹۹۸ کنفرانس رم) در: *اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و سند نهایی کنفرانس دیپلماتیک رم*.

۶۹ در مورد جرمهای داخل در صلاحیت دیوان، همچنان که پیشتر دیدیم، آنها را باید به منزله خطرناک‌ترین گونه‌های سوءاستفاده از قدرت به شمار آورد و بر همین پایه است که در اساسنامه دیوان مقررات ویژه‌ای (مانند مواد ۶۸ و ۷۵) برای بزه‌دیدگان این جرمها پیش‌بینی شده است.

۷۰ «کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی» به منزله یک منشور بین‌المللی (منطقه‌ای) در زمینه حقوق بشر مهمترین سندی است که ماده ۶ آن را شناسنامه مفهوم «دادرسی عادلانه» در نوشتگان علوم جنایی دانسته‌اند. نک: محمد آشوری (ناظر)، *حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت*، تهران، نشر گرایش، ۱۳۸۳، صص ۳۲۵ تا ۳۵۹.

انگاشته می‌شود که لازمه زندگی مادی بزه‌دیده در جهان طبیعت است و از آن به «حق جبران» می‌توان یاد کرد. در اینجا حتی زمانی که بزه‌دیده به درد و رنج عاطفی برخاسته از جرم دچار می‌شود، ترمیم این درد و رنج به منزله جبران خسارت معنوی، یا از رهگذر روش‌های مادی همچون تقویم مالی این خسارت‌ها، یا با یکی از ابزارهای حواس پنج‌گانه بشری (مانند هنگامی که بزه‌کار با زبان از بزه‌دیده پوزش می‌خواهد) جامه عمل بر خود می‌پوشد. بدین‌سان، دستاورد مهم دیگر اعلامیه را به رسمیت شناختن دو دسته حقوق انسانی - اخلاقی و عینی - مادی برای بزه‌دیدگان باید دانست.

سوم، سرانجام ملاک مهم دیگری که از مفاد اعلامیه می‌توان برداشت کرد معرفی یک الگوی حمایتی برای بزه‌دیدگان است که نویسندگان اعلامیه آن را در زیر عنوان «کمک» [به بزه‌دیده] جای داده‌اند. این الگوی حمایتی نخستین گام برای پشتیبان‌دادن به اجرای حقوق مشخصی است که پیشتر از آن نام بردیم. به دیگر سخن، سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران عدالت تا الگویی مطلوب برای حمایت از بزه‌دیدگان در دست نداشته باشند، نمی‌توانند حقوقی را که لازمه پشتیبانی از آنان است به اجرا در آورند. مؤلفه‌های این الگوی حمایتی را بر پایه مفاد اعلامیه می‌توان به حمایت مالی (اقتصادی)، پزشکی، عاطفی/حیثیتی، حقوقی و اجتماعی تقسیم کرد. وانگهی، از آنجا که حمایت جنایی از بزه‌دیده، از رهگذر جرم‌انگاری رفتارهای ضد اجتماعی و با هدف پیشگیری همزمان از بزه‌کاری و بزه‌دیدگی، در هر نظام عدالت جنایی مسلم و بدیهی به نظر می‌رسد، نویسندگان اعلامیه در بخش نخست از تکرار آن خودداری کرده‌اند. ولی، در بخش دوم از آنجا که مفهوم نویی به نام «بزه‌دیدگان سوءاستفاده از قدرت» را معرفی می‌کردند، از «حمایت کیفی» به منزله نخستین گام برای پشتیبانی از این بزه‌دیدگان مصیبت زده یاد کرده‌اند.

بدین‌سان، اکنون که دولت‌های عضو جامعه بین‌المللی از رهگذر یک منشور جهانی به کلیدی‌ترین ملاک‌های حمایت از بزه‌دیدگان دسترسی دارند، پسندیده است تا بدون هیچ فشار الزام‌آور حقوقی و به گونه‌ای داوطلبانه در مسیر اجرای مفاد این اعلامیه گام بردارند. خوشبختانه، مطالعات انجام شده از اجرای بیش و کم رضایت‌مندانه اعلامیه در بسیاری از کشورها حکایت می‌کند.^{۷۱} بی‌گمان، این اقبال نه تنها به تقویت مشروعیت رژیم سیاسی حاکم بر هر کشور اجراکننده یا داوطلب کمک می‌کند، بلکه در

ارتقای اعتبار بین‌المللی چنین کشورهایی نیز مؤثر است. باشد که پیش از تصویب یک کنوانسیون الزام‌آور بین‌المللی برای حمایت از بزه‌دیدگان، همه کشورها در اجرای ملاک‌های شناخته شده جهانی در این حوزه لحظه‌ای تردید به خود راه ندهند.



JOURNAL OF

LEGAL RESEARCH

VOL. IV, NO. 1

2005-1

Articles

- European Arrest Warrant and its Impact on Extradition Law in the European Union
- Protective Victimology in Light of “The Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power”
- The Impact of Peremptory Norms on the Interpretation and Application of United Nations Security Council Resolutions
- Concept, Kinds and Rules Governing Public Contracts
- An outline to Iranian Legal System on the Foreign Investment
- The Constitutionality and Role of Judges in Iranian Law

Special Issue: Different Aspects of Banking Law

- Legal Aspects of Internet Banking
- Discussion of Principles Agent Theory in Banks on behalf of Depositors in Banking Deposits
- Binding Character of Contracts on Credits Granted by Banks and it's Ambiguities
- Settlement of Disputes in International Bank Guarantees
- Hire-Purchase Contract and Barriers to it's Development in the Iranian Banking System

Critique and Presentation

- UN International Law Commission and Iranian Lawyers

ISSN: 1682-9220



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law

Research & Study